۱۵۰ سال از انتشار «مانیفست کمونیست» می گذرد

در اول ماه مه سرخ، پیام مانیفست طنین انداز است!

جهان در پایان هزاره دوم، همچنان شاهد بهره کشی انسان از انسان است؛ شاهد ستم جنسی و ملی و مذهبی؛ شاهد حاکمیت ارتجاع و خرافه و دین؛ شاهد ادامه زندگی انگلی نظام سرمایه داری جهانی. خصوصیات اساسی این نظام، همان است که مارکس و انگلس با قدرت بیان کرده بودند: نظامی کهنه و بی آینده که از هر منفذش خون و چرک بیرون می جهد. استثمار، فلسفه وجودی این نظام است و ستم، محصول دائمی آن. امروز اربابان دنیای سرمایه، روند بهره کشی را سریعتر و جهانی تر کرده اند. همه چیز شتاب گرفته است. بسرعت استخدام می کنند؛ بسرعت اخراج می کنند؛ بسرعت زندگی میلیونها کارگر را با این جابجائی ها به تباهی می کشانند. دستمزدها کمتر می شوند و کارها موقتی تر. میلیونها دهقان در کشورهای عقب مانده جهان زیر فشار فقر و نومیدی، روستاها را ترک می گویند و خود را به ورطه شهر می افکنند. ارتش ذخیره کار، پا به پای زاغه ها گسترش می یابد. کنترل بر کار و زندگی توده ها بیشتر می شود و سرکوب آنها شدیدتر.

نتیجه همه اینها، دامن گرفتن شعله های مقاومت و مبارزه توده هاست؛ مبارزه طبقاتی؛ مبارزه ای که نیروی محرکه تاریخ است. مبارزات کارگری و دهقانی در کشورهائی که صحنه تاخت و تاز و غارتگری سرمایه های امپریالیستی است فزونی می یابد. زنان و مردان کارگر و زحمتکش در شهر و روستا بپا می خیزند. بروز خیزشهای قهرآمیز توده ای از مکزیک گرفته تا اندونزی از نشانه های برجسته این روند است. در قلب دژهای سرمایه داری آمریکا و اروپا، مبارزه حق طلبانه اقشار پایینی و حتی میانی کارگران در حال گسترش است. در کشورهای بلوک شرق سابق که نزدیک به ۲ دهه تحت حاکمیت سرمایه داری دولتی بودند، پرده های توهم فرو می افتد. فجایع اقتصادی و اجتماعی، چهره زشت سرمایه داری نوع غربی را به مردم این کشورها هم نشان می دهد. دست بورژوازی بین المللی بیشتر رو می شود، و کارزار جهانی بورژوازی مبنی بر «مرگ کمونیسم»، بیشتر رنگ می بازد.

طبقات حاکمه در سراسر جهان تلاش می کنند نظم موجود را «جاودانه» جلوه دهند؛ تلاش می کنند افق دید و دامنه اهداف توده های کارگر و زحمتکش را محدود کنند و توقعات را تا سطح اصلاحات ظاهری یا واقعی در چارچوب همین نظام پایین آورند. اما تا زمانی که مناسبات بهره کشی و سود برپاست، بهبود حقیقی و ریشه ای و پایدار در وضع زندگی توده ها حاصل نخواهد شد. طبقه کارگر ـ این انقلابی ترین طبقه تاریخ ـ تنها از راه سرنگونی قهرآمیز کل نظام اجتماعی موجود، و در اتحاد با توده های زحمتکش، می تواند به رهائی دست یابد.

همانگونه که «مانیفست کمونیست» خاطر نشان می کند: کارگران میهن ندارند؛ طبقه کارگر، یک طبقه جهانی است. امروز طبقه ما دستاوردهای عظیم و تجارب ارزشمند انقلابات کبیر پرولتری قرن بیستم و ساختمان سوسیالیسم در شوروی تحت رهبری لنین و استالین، و چین تحت رهبری مائوتسه دون را پشتوانه مبارزات خویش دارد. پرولتاریای جهانی در نبرد کنونی خویش، یک مرکز جنینی و یک تشکل بین المللی دارد که در راه ایجاد یک انترناسیونال نوین کمونیستی حرکت می کند. این تشکل، «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» است. جنگ خلق در پرو تحت رهبری حزب کمونیست پرو، و جنگ خلق در نپال تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست)، همچون مشعلی فروزان راه رهائی را به ستمدیدگان سراسر جهان نشان می دهند.

در ایران، طبقه کارگر با اوضاع سیاسی حساسی روبروست. ضعف و شکاف در صفوف رژیم جمهوری اسلامی آشکار است؛ حساسیت و جنب و جوش سیاسی مردم بالا گرفته است؛ آنها احساس می کنند که می توان تعرض کرد، حق خود را خواست و دشمن را به عقب نشینی واداشت. کارگران بیباکانه به میدان می آیند و خواسته های خویش را جلو می گذارند: خواست افزایش دستمزد و دیگر خواسته های رفاهی، حق تشکل مستقل کارگری، آزادیهای سیاسی، آزادی اعتصابیون و مبارزان اسیر و... طبقه کارگر در جریان مبارزه، متحدتر و متشکل تر و کارآزموده تر می شود. زنان و جوانان با نافرمانی و عصیانگری خویش، قوای سرکوبگر رژیم را بستوه می آورند. همه این مبارزات، نیروی عظیمی را به میدان می کشد و ذخایر گرانبهائی برای تدارک و پیشبرد جنگ درازمدت انقلابی فراهم می آورد.

توده ها به صحنه آمده و بدنبال رهبری و تشکل می گردند؛ و رژیم اسلامی به چاره جوئی برخاسته است. حکومتیان برای کنترل و مهار مردم، چماق سرکوب را بکار می گیرند؛ و همزمان صحبت از «حزب سازی» می کنند و عوامفریبانه دست به «قهرمان سازی» می زنند. جلادان و دشمنان شماره یک مردم، نقاب «مردمی» به چهره زده اند؛ یکشبه طرفدار «آزادی» شده اند. می کوشند مرز خونین بین خلق و دشمنانش را پاک کنند. می کوشند «حکومت نظم و قانون» و به اصطلاح «جامعه مدنی و قانونمند» خویش را به شعار و خواسته مردم تبدیل کنند. در این اوضاع، رفرمیسم و سازشکاری به یاری هیئت حاکمه آمده و توده ها را به بازی در میدان دشمن دعوت می کند: «انقلاب ناممکن است؛ تنها کار ممکن، رفرم در چارچوب همین نظام است.»

طبقه کارگر آگاه به مصاف رفرمیسم می شتابد. پرولتاریا همواره برای بهبود وضعیت توده ها مبارزه کرده، اما هیچگاه اصلاحات را جایگزین انقلاب که تنها راه رهائی ستمدیدگان از زندان جامعه طبقاتیست، نکرده است. رفرم یکی از نتایج مبارزه رزمنده و انقلابی طبقه کارگر و توده های مردم است؛ مبارزاتی که به رژیم ضربه می زند و تضعیفش می کند. آن رفرمی که به تحکیم موقعیت یک جناح ارتجاع در مقابل جناح دیگر بینجامد، اصلاح در وضع توده ها نیست.

برای اینکه طبقه کارگر بتواند از اوضاع کنونی برای پیشبرد امر انقلاب بحداکثر استفاده کند، برای اینکه بتواند فرصتها را دریابد و خطرات و بیراهه ها را پشت سر گذارد، برای اینکه بتواند دشمن را بر سر خواسته هایش به عقب نشینی وادارد و هر دستاورد مبارزاتی ـ ولو جزئی ترین آنها ـ را برای پیشروی در راه رهائی به خدمت بگیرد، برای اینکه بتواند انقلاب اجتماعی را رهبری کند و به پیروزی برساند، نیاز به یک تشکل پیشاهنگ و رهبری کننده دارد: یک حزب کمونیست انقلابی؛ یک حزب مارکسیست ـ لنینیست ـ مائوئیستی. حزبی که در مبارزه امروز، منافع کلی و درازمدت طبقه کارگر جهانی را مد نظر قرار می دهد؛ حزبی که طرح و نقشه نبرد را بر پایه اهداف انقلاب دمکراتیک نوین و ساختمان جامعه سوسیالیستی فردا می ریزد؛ حزبی که ذخایر و دستاوردهای مبارزات جاری توده ها را در خدمت سازماندهی و رهبری انقلاب قرار می دهد.

آینده از آن طبقه کارگر است. پرولتارها در نبرد خویش «چیزی جز زنجیرهایشان را از دست نمی دهند، ولی جهانی را بدست خواهند آورد. **کارگران همه کشورها، متحد شوید!**»

زنده باد اول ماه مه سرخ!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
زنده باد «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی»!
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش!
پیروز باد انقلاب جهانی پرولتری!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) ـ اول ماه مه ۱۹۹۸ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۷)